

تقی زاده

شرح حال و خدمات او بتأسیس حکومت ملی و فرهنگ ایران
بمناسبت چهلمین روز در گذشت او

سخنرانی

دکتر عیسی صدیق

در تالار انجمن آثار ملی

در تاریخ دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۴۸

ناشر: انجمن آثار ملی - تهران

اسکن شد

تقی زاده

شرح حال و خدمات او بتأسیس حکومت ملی و فرهنگ ایران
بمناسبت چهلمین روز درگذشت او

سخنرانی

دکتر عیسی صدیق

در تالار انجمن آثار ملی

در تاریخ دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۴۸

ناشر : انجمن آثار ملی - تهران

تقی زاده

شرح حال و خدمات او بتأسیس حکومت ملی و فرهنگ ایران
بمناسبت چهلمین روز درگذشت او

چهل و یک روز قبل، یعنی روز سه شنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۴۸، آخرین رهبر مؤثر در انقلاب مشروطه و آخرین بنیان گذار حکومت ملی سید حسن تقی زاده در تهران خیابان نیکو رخت بدیگر سرا کشید و بازماندگان و دوستان و ستاینندگان خود را غرق در اندوه و الم ساخت. چون از اوایل تأسیس انجمن آثار ملی تقی زاده عضو هیئت مؤسسين انجمن بوده است این مجلس برای یادآوری از خدمات و تجلیل از مقام اجتماعی و فرهنگی آن شادروان تشکیل و مقرر شده است بنده در این باب مختصری بعرض حضار محترم برسانم.

بدیهی است شرح حال و خدمات شخصیتی که از ۱۲۵۶ خورشیدی ۹۲ سال در این جهان زیسته، و قریب هفتاد سال از عمر خود را در فراهم کردن زمینه انقلاب و شرکت در انقلاب و مبارزه با استبداد و عوامل ارتجاع و استقرار مشروطیت صرف کرده، و در عین حال به تحقیق و تتبع در موضوعات ادبی و تاریخی و فرهنگی پرداخته، در مدت بسیار محدودی که در اختیار من است امکان پذیر نیست. گذشته از این، ظرف سی سال اخیر، تاریخ مشروطیت بقلم چند تن از نویسندگان مبرز بسلك تحریر کشیده شده و تاحدی شرح حال تقی زاده که با مشروطیت ایران پیوستگی تام دارد بیان گشته، و یقیناً حضار محترم از آنها استحضار دارند و می دانند که تقی زاده در اثر مطالعه مقالات و رسالات و کتب میرزا ملکم خان و طالب اف و ابراهیم بیگ و جراید فارسی که در استانبول و مصر و هند

منتشر می‌شد مانند اختر و ثریا و پرورش و حکمت و جبل‌المتین چشم و گوشش باز و متوجه اوضاع خراب و نابسامان کشور شد و در ۲۷ سالگی عازم قفقاز گردید که در اثر جنگهای روس و ژاپن و دومین انقلاب روسیه جزئی نسیم آزادی در آنجا وزیدن گرفته بود، و پس از توقف مختصر در تفلیس به مملکت عثمانی رفت که از ۱۲۵۴ خورشیدی تاحدی قانون اساسی مدحت پاشا و مشروطه بفرمان سلطان عبدالحمید ثانی در آنجا جریان داشت، و بعد از شش ماه اقامت در استانبول رهسپار مصر گردید، که از زمان ناپلئون اول و محمد علی پاشا با اروپای غربی تماس مستقیم داشت و تا حدی آشنا به فرهنگ جدید مغرب زمین و حکومت قانونی شده بود.

در نتیجه این مطالعات و مسافرتها و مشاهدات، تقی‌زاده به مفاسد حکومت در ایران پی برد و علل ضعف و زبونی و پریشانی کشور در نظرش آشکار شد، و رساله‌ای تحت عنوان «تحقیق حالات کنونی ایران با محاکمات تاریخی» تألیف کرد که همان اوقات در مصر بطبع رسید و اصل آن نسخه بخط مؤلف در کتابخانه انجمن جزو کتب اهدائی مرحوم عبدالحسین بیات موجود است.

تقی‌زاده از همان راه که بمصر رفته بود به تبریز بازگشت و به توزیع رساله مذکور و تبلیغ افکار آزادیخواهی و تجددطلبی پرداخت، و در اندک مدت شهرت بسیار پیدا کرد، و همین که در تهران شورش آغاز و فرمان مشروطیت در مرداد ۱۲۸۵ صادر شد عازم پایتخت، و در رمضان ۱۳۲۴ (مطابق مهر ۱۲۸۵) وارد طهران و عامل مؤثر در انقلاب گردید. در انتخابات نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی که در

۱- با اینکه تا ۱۲۹۷ خورشیدی تاریخ هجری قمری در ایران مرسوم بود برای جوانانی که معتاد به استعمال تقویم قمری نیستند در این گفتار سالهای قمری با سالهای هجری شمسی تطبیق و ذکر شده است.

شوال ۱۳۲۴ (مطابق آبان ۱۲۸۵) توسط طبقات شش گانه مردم صورت گرفت، تقی زاده باشهرتی که در تبریز داشت از طرف بازرگانان آن شهر بنمایندگی برگزیده شد، و بلافاصله در جلسات مجلس شرکت کرد و از آغاز خود را یکی از ناطقین مبرز و نیرومند نشان داد بهمین سبب عضو هیئت نه نفری شد و متمم قانون اساسی را تهیه کرد - قانونی که قوای سه گانه مملکت را از یکدیگر تفکیک کرد - حدود و حقوق ملت و سلطنت را مشخص نمود - مسئولیت وزراء و اختیارات محاکم و طریق وضع مالیات و دخل و خرج کشور را معین کرد. البته پنجاه و یک اصل قانون اساسی بدون متمم مذکور ناقص بود زیرا قانون اساسی فقط اصول تشکیل مجلس شورای ملی و سنا و وظایف و اختیارات و طرز کار آنها را تعیین مینمود.

کار انقلابی دیگری که مجلس اول انجام داد و تقی زاده در آن شرکت مؤثر داشت عبارت بود از برانداختن اصول کهنه قرون وسطی، و قطع مستمریهای گراف که به اعیان و اشراف و روحانی نمایان داده میشد، و موازنه بودجه کشور و برقراری مسئولیت دولت در مقابل مجلس.

وقتی محمد علی شاه در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ (مطابق با دوم تیر ۱۲۸۷) مجلس را به توپ بست و عده ای از رهبران انقلاب را به شهادت رساند، تقی زاده بخارج از کشور تبعید شد و با معاضد السلطنه پیرنیا نماینده مجلس اول به انگلستان رفت، و با کمک پرفسور براون ایران شناس نامی در روزنامه تایمس لندن ضمن مقالاتی از حقوق ایران دفاع کرد، و پاسخ خرنیهائی که برای جمعی از نمایندگان مجلس انگلیس و هم چنین برای انجمن آسیای مرکزی کرد، «انجمن ایران» Persia Committee در لندن تشکیل شد که در روشن کردن افکار عمومی انگلیس و اروپا و خنثی کردن تبلیغات روسیه تزاری و اثبات اصالت انقلاب ایران خدمات شایان انجام داد.

ازلندن، تقی زاده در ذی قعدة ۱۳۲۶ (مطابق با آذر ۱۲۸۷) از راه عثمانی چون قهرمان آزادی وارد تبریز شد و با اهالی غیور آنجا که بسر داری ستارخان و باقرخان بر ضد استبداد قد علم کرده بودند صمیمانه همکاری کرد و در مصائب آنان شریک شد.

پس از فتح تهران از طرف مجاهدین اصفهان و گیلان در ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۷ (مطابق با ۲۵ تیر ۱۲۸۸) تقی زاده در رجب (مطابق با شهریور ۱۲۸۸) از تبریز وارد پایتخت و بعضویت «هیئت مدیره موقتی» که مرکب از بیست نفر بود و وظایف قوه مجریه را انجام میداد برگزیده شد و همین که انتخابات دوره دوم مجلس صورت گرفت از تهران و از تبریز بنماینده گی انتخاب شد و نمایندگی زادگاه خود را پذیرفت.

مجلس دوم در ۲ ذی قعدة ۱۳۲۷ (مطابق با ۲۳ آبان ۱۲۸۸) گشایش یافت و تقی زاده در آن مجلس از رهبران حزب دموکرات بود که تمایل زیاد به مکتب سوسیالیست ها یا مسلک اجتماعیون داشت که امروز همه جا رایج است ولی در آن تاریخ تندرو و افراطی محسوب میشد و نطق های آتشین او اعتدالیها را نگران می ساخت تا آنجا که باعث شدند تقی زاده مرخصی گرفت و عازم استانبول شد و در صفر ۱۳۲۹ (مطابق با بهمن ۱۲۸۹) وارد آنجا گشت و به تشکیل جمعیت نشر معارف از مهاجرین تبریز و تجار مقیم آنجا پرداخت و دو سفر به پاریس و لندن کرد، سپس بامریکا رفت و در آنجا بود که جنگ اول جهانی (۱۹۱۸-۱۹۱۴) شعله ور شد.

پنج ماه پس از شروع جنگ از نیویورک به برلن رفت و در ژانویه ۱۹۱۵ (مطابق با دیماه ۱۲۹۳) وارد آنجا شد و نه سال در آلمان اقامت گزید و با اینکه از تهران بنماینده گی دوره سوم مجلس انتخاب شده بود در آلمان اقامت خود را ادامه داد. در این نه سال تازمانی که جنگ جهانی اول جریان داشت تقی زاده با چند تن از ایرانیان مانند علامه محمد قزوینی

و جمال زاده و پورداد و کاظم زاده ایرانشهر، مجله کاوه را منتشر کردند که بیشتر جنبه سیاسی داشت و بواسطه نقض بیطرفی ایران و اشغال مملکت از طرف قوای روس و انگلیس و تبدیل ایران به کارزار و نتایج شومی که بر آن مترتب شد، مجله کاوه ازدول اروپای مرکزی طرفداری کرد ولی در عین حال مقالات مهم و پرمایه ای راجع بایران انتشار داد. همین که جنگ پایان یافت مجله کاوه از ژانویه ۱۹۲۰ (مطابق با دیماه ۱۲۹۸) دوره جدیدی آغاز کرد و بصورت نشریه ماهانه ادبی و فرهنگی و تاریخی درآمد و دو سال ادامه داشت و خدمات مهم بزبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران کرد. مقاصدی که تقی زاده و همکارانش در این دوره جدید کاوه دنبال میکردند عبارت بود از کوشش در نشر تمدن و فرهنگ مغرب زمین در ایران - مبارزه با خرافات و تعصبات افراطی - دفاع از ملیت و وحدت ملی - دفاع از زبان و ادبیات فارسی - تقویت آزادیخواهی در ایران در حدود امکان.

در مدتی که تقی زاده در برلن اقامت داشت از طرف دولت مأموریت یافت که بمسکو رود و با دولت جماهیر شوروی معاهده تجارتی و کنسولی و پستی منعقد سازد و این کار را از بهمن ۱۳۰۰ تا مرداد ۱۳۰۲ انجام داد و به برلن بازگشت و با خانمی اصیل از مردم آلمان ازدواج کرد و نامش را عطیه گذارد - بانوئی فرشته صفت که در تمام عمر دوست با وفا و یار غم خوار او بود و عالی ترین اوصاف انسانیت را داراست.

در انتخابات دوره چهارم و پنجم و ششم مجلس تقی زاده به نمایندگی انتخاب شد ولی فقط در مرداد ۱۳۰۳ تقریباً پس از چهارده سال اقامت در خارجه بایران بازگشت و بوظیفه نمایندگی خویش پرداخت.

در تیرماه ۱۳۰۵ تقی زاده بریاست هیئت نمایندگی ایران در نخستین کنگره بین المللی فرهنگ و هنر ایران در فیلادلفی بآمریکا رفت

و از آن بپسند باستانداری خراسان (در ۱۳۰۷) و وزیر مختاری لندن (در ۱۳۰۸) و وزارت راه (در فروردین ۱۳۰۹) و وزارت دارائی (در ۱۴ مرداد ۱۳۰۹) منصوب شد و تا شهریور ۱۳۱۲ در این مقام باقی بود. در وزارت دارائی تقی زاده نظم کامل بامور مالی داد - از افراط و تفریط جلوگیری کرد - حداعلائی صرفه جوئی در مخارج کرد - نخستین بار بودجه کل کشور را قبل از حلول سال نو به مجلس تقدیم کرد.

در اثر علاقه ای که تقی زاده به آثار ملی داشت بهنگام وزارت دارائی بدون اینکه دیناری بر بودجه کشور تحمیل کند مبلغ قابل توجهی برای مرمت ابنیه تاریخی اصفهان از بازرگان مشهور و ثروتمندی که از معامله دولت قبلاً سود سرشاری برده بود بطور اعانه گرفت و در اختیار باستان شناسی و انجمن آثار ملی گذاشت و این نخستین کمک مهمی بود که پس از وضع قانون عتیقات در ۱۳۰۹ بمصرف تعمیر آثار و ابنیه ملی رسید.

پس از وزارت دارائی تقی زاده از آذر ۱۳۱۲ تا مرداد ۱۳۱۳ سفیر ایران در پاریس بود. از آن پس بدعوت دانشگاه لندن بتدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول شد و ضمناً به تحقیق در گاه شماری پرداخت و نتیجه تتبعات خود را بصورت کتاب بفارسی و انگلیسی منتشر ساخت. در اواخر سال دوم جنگ جهانی دوم در آبان ۱۳۲۰ برای دومین بار سفیر ایران در لندن شد و در ۱۳۲۴ در شورای امنیت سازمان ملل متحد که در لندن منعقد بود باشهامت و شیوائی بطور مؤثر از وحدت ملی و استقلال کشور جانانه دفاع کرد.

در انتخابات دوره پانزدهم مجلس تقی زاده بنماینده گی انتخاب شد و در پائیز ۱۳۲۶ بایران بازگشت و بانجام وظیفه نمایندگی پرداخت. از ۱۳۲۸ خورشیدی که مجلس سنا تأسیس شد تا سال ۱۳۴۶، تقی زاده نماینده آن مجلس بود و از این مدت، شش سال ریاست سنا را بعهده داشت و سه اثر عمده از خود بیادگار گذاشت: یکی کتابخانه با ارزش

و کم نظیر سنا - دوم آئین نامه سنا که شخصاً تهیه کرد و از تمام تجارب خود در مجلس شورای ملی استفاده کرد - سوم نظم و همکاری و مراقبت و دل-سوزی در امور مجلس بویژه در امور مالی.

از تاریخچه و فهرستی که بعرض رسید معلوم شد که تقی زاده تا ۲۷ سالگی در ایران به تحصیل و مطالعه پرداخته، چهار سال در انقلاب مشروطیت و مجلس اول و دوم نقش بسیار مؤثر داشته - به نمایندگی دوره سوم و چهارم و پنجم و ششم و پانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب شده و چند سال در آن مجلس انجام وظیفه کرده - حدود ۲۹ سال در خارج بسر برده که شش سال آنرا در خدمت دولت بوده و بقیه را بمطالعه و پژوهش و تألیف و خدمت بزبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران و دفاع از کشور پرداخته - قریب ده سال استاندار و وزیر و سفیر و شانزده سال نماینده یا رئیس مجلس سنا بوده است. در تمام این مدت، تقی زاده مناقب و فضائل اخلاقی را بعد کمال نشان داده است.

تقی زاده علاقه فوق العاده بزبان و ادبیات فارسی داشت و نطق های او در مجلس و محافل ادبی و رسمی و مقالات و رسالاتی که نوشته است این موضوع را آشکار میسازد. این دلبستگی تا حد زیادی با وطن پرستی او آمیخته است. در موقعی که تبریز را قوای محمد علی شاه چهار ماه محاصره کرده بود در اثر قحط و غلا در شهر هر روز جمعی از گرسنگی تلف میشدند. در اوایل ربیع الثانی ۱۳۲۷ (مطابق فروردین ۱۲۸۹) دولت روس و انگلیس مصمم شدند با وارد کردن سپاه روس به تبریز محاصره را رفع کنند تا اتباع آنها از مخاطره رهایی یابند و قصد خود را کتباً توسط کنسولهای خود بانجمن ایالتی آذربایجان اطلاع دادند. انجمن در این باب با تقی زاده مشورت کرد و او پس از مطالعه نامه کنسولها پیشنهاد کرد که فوراً بخود محمد علی شاه توسل جویند تا سپاه

بیگانه وارد ایران نشود و بدرخواست انجمن تقی‌زاده متن تلگراف را به محمدعلیشاه تهیه کرد و مضمون آن این بود:

«ما دست توسل بدامان پدر نامهربان را برمدد خارجیان ترجیح میدهیم و حاضریم از هرچیز صرف نظر کنیم و استدعا داریم امر بدهید که بهانه بدست خارجیان داده نشود و راه را برای ورود آذوقه باز کنند». باوجود قربانیها که مردم تبریز داده بودند مخابره چنین تلگرافی حد اعلای گذشت و فداکاری و وطن پرستی آنان و نویسنده تلگراف را ظاهر میسازد. خبرنگار روزنامه تایمس لندن از تهران بگریده خود خبرداد که وقتی تلگراف بدست محمدعلیشاه رسید اشک از چشمانش فرو ریخت و فوراً دستور رفع محاصره را داد ولی در اثر خرابی سیم تلگراف و جهات دیگر دستور او بمران سپاه بموقع نرسید و سپاهیان روس در ۸ ربیع الثانی وارد تبریز شدند و تا انقلاب روس در ۱۹۱۷ (مطابق با ۱۲۹۶) مرتکب فجایع بیشمار شدند.

تقی‌زاده بسیار ساده‌میزبست چه در ایران و چه در خارجه، چه از حیث لباس و غذا و چه از حیث مسکن و اثاثیه، بمال و منال دلبستگی نداشت و قانع و دارای مناعت ذاتی و غرور ایرانیت بود چنانکه خرج سفر محمدعلیشاه را در موقع تبعید شدن بخارج با وجود نهایت احتیاج رد کرد و با تمام مقاماتی که بسالیان دراز پیموده بود فقط در هفتاد و چند سالگی با کمک اختیار دارای يك خانه مسکونی در «دروس» شد.

بهنگام اقامت در اروپا و امریکا وقتی مأموریت دولتی نداشت به معلمی یا تحریر مقاله یا کتابداری و استنساخ کتب فارسی و عربی، و یا تصحیح مطبوعات در چاپخانه‌ها میپرداخت و از این راه با کمال قناعت اعاشه میکرد. تقی‌زاده احترام بسیار بمقام علمی داشت و ادبا و دانشمندان را بسیار گرمی میداشت و تا سرحد امکان از آنان پشتیبانی میکرد چنانکه در مورد جمال‌زاده، مینوی، دکتر صدیقی، دکتر یارشاطر، سعید نفیسی،

پرفسور هنینگک جهد بلیغ مبذول داشت .

شجاعت اخلاقی تقی زاده باصراحت لهجه توأم بود و از اظهار حقیقت ترس نداشت چنانکه در تبریز در عین قدرت مجاهدین در اواخر ۱۳۲۶ قمری (مطابق ۱۲۸۷ خورشیدی) آنها را از تعرض بمال و جان مردم نکوهش کرد در صورتیکه برای او خطر جانی داشت . در مجلس اول نخستین بار او بود که لفظ مشروطه را در نطق رسمی بکاربرد و مشروطه خواهی را علنی کرد و پنجاه سال قبل او بود که در مجله کوه بی پروا نوشت که ایران باید بدون چون و چرا تمدن مغرب زمین را بپذیرد تا از نکت و ذلت و فلاکت و زبونی خلاصی یابد و او بود که در ذکر تساوی قاطبه افراد ایران اعم از مسلمان و غیر مسلمان در قانون اساسی اصرار ورزید .

در نظم و ترتیب و وقت شناسی و پرکاری و موشکافی تقی زاده کم نظیر بود . تا چند روز قبل از فوت با وجود عجز از حرکت وضعف شدید در کتابخانه سنا و در جلسات انجمن آثار ملی و انجمن فلسفه و علوم انسانی حضور مییافت ، در موقعی که سالم بود دقیقه ای از عمر را بیکار نبود و روزی نبود که مطالعه نکند . در بی غرضی و تبعیت از منطق روحی قوی داشت . در اثر علاقه بی حدی که بزبان و ادبیات فارسی داشت اصطلاحات و لغاتی را که فرهنگستان از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ اختیار کرده بود انتقاد میکرد ولی همینکه بنده عده ای از اصطلاحات علوم ریاضی و طبیعی را بزبان فرانسه پیش او گذاشتم و برای آموختن آنها در مدارس و بکار بردن آنها در کتب درسی کسب تکلیف کردم فوراً تصدیق کرد که ایران بداشتن فرهنگستان و وضع اصطلاحات احتیاج مبرم دارد .

تقی زاده با اینکه از دانشمندان معدودی بود که هم در ادب فارسی و عربی و هم در فرهنگ مغرب زمین تبحر داشت و زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی و عربی و ترکی را خوب میدانست و با روش علمی تحقیقات

جامع در موضوعات ادبی و فرهنگی و تاریخی کرده بود و شهرت جهانی داشت، و آثاری چون مقدمه تعلیم عمومی - از پرویز تا چنگیز که چاپ جدید آن با حواشی و تعلیقات در همین ماه بکوشش آقای افشار شیرازی از طبع خارج شده - گاه شماری در ایران قدیم - تاریخ عربستان و قوم عرب - تاریخ اوائل انقلاب و مشروطیت ایران - مقالاتی که در مجلات مهم فرانسه و انگلیس و آلمان منتشر ساخت - بیست مقاله راجع بمسائل تاریخی و دینی ایران باستان در مجموعه ایران شناسی بنگاه ترجمه و نشر کتاب - پژوهش های بکراو به روش علمی در مجله کاوه که قسمت مربوط بفردوسی هم اکنون بشکل کتاب و بهمت آقای حبیب یغمائی زیر چاپ است، و همه این آثار حاکی از اطلاعات عمیق اوست، معذک همه جا خضوع و خشوع خود را ابراز کرده و در آغاز هر رساله و مقاله نوشته است که من در هیچ رشته تخصص ندارم و فقط دوستدار علم و بقول فرنگیها آماتور هستم. در مقابل این فروتنی وقتی هشتاد ساله شد بیست و پنج نفر از خاورشناسان نامی چون ماسینیون Massignon و هانری ماسه Henri Massé و بنونیست Benveniste و گیرشمن Ghirshman از فرانسه و آربری Arberry و بیلی Bailey و لمبتن Lambton و لیوی Levy از انگلیس و هینتز Hinz و لنتز Lentz و ایلرز Eilers و هنینگ Henning از آلمان و کندی Kennedy از امریکا و مینورسکی Minorsky از روسیه و چند نفر از اسکاندیناوی، و شش تن از دانشمندان ایران برای تجلیل از مقام علمی او کتابی در ۲۵۰ صفحه به زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی تألیف و طبع نمودند و بنام «ران ملخ» A Locust's Leg بوی تقدیم کردند.

پنجاه و چهار سال قبل که من معاون پرفسور ادوارد براون در دانشگاه کیمبریج بودم هر وقت با او صحبت از تقی زاده میشد نسبت به مقام ادبی و فرهنگی و وطن پرستی و مخصوصاً غرور ملی او در مقابل احساس حقارت مردم مشرق زمین نسبت بفرنگیها در آن تساریخ چنان

احترامی برای تقی زاده ابراز میداشت که قابل وصف نیست ، و همین اظهارات باعث شد که از همانوقت بآن مرد بزرگ صمیمانه ارادت ورزیدم و در آخرین شب زندگانی او آخرین دوستی بودم که او را زیارت کردم. با وجود ناتوانی در تکلم و حرکت اندام وقتی بانوی مهربانش او را صدا زد و چشم باز کرد بزحمت بسیار از زیر پتو دست چپ را بیرون آورد که میان دو دستم گرفتم و او با حرکت چشم بامن تودیع کرد .

هرگاه معتقد باشیم که انقلاب ۱۳۲۴ (۱۲۸۵ خورشیدی) و نهضت مشروطیت و پیدایش حکومت ملی مملکت را از فنا و نیستی رهانیده و عوامل سستی و پیریشانی و فساد و تسلط بیگانگان را که مانع ترقی کشور بود متزلزل کرده، و در حدود امکان مقدمات و موجبات تجدید حیات ملت را فراهم ساخته ، باید رهبران و پایه گذاران بنیان مشروطیت و زعمای آن انقلاب و نهضت را از صمیم قلب بستائیم و شجاعت و فداکاری و عشق آنها را به میهن همواره بیاد آوریم و حق شناسی خود را نسبت بآنان ابراز داریم .

تقی زاده یکی از این رهبران و پایه گذاران بود و بر ماست که جوانان را به تکریم و سرمشق قرار دادن او راهنمایی و تشویق کنیم و بروح پر فتوح او درود بفرستیم .

از درگاه باری تعالی برای آن شادروان رحمت و مغفرت و برای بازماندگان او بویژه همسر گرمی اش صبر و شکیبائی مسئلت داریم .

در آن عالم خدای از عالم غیب نثار رحمتش بر سر فشاناد